

# امنیت جمهوری اسلامی ایران

## در فرآیند جهانی شدن

(مقاله)

محمد رحیم عیوضی<sup>۱</sup>

□ **چکیده:** امنیت ملی کشورها تحت تأثیر مرزهای بین‌المللی و منطقه‌ای که کانون‌های بحران محسوب می‌شوند همواره مورد تهدید قرار دارد. هر چه بر دامنه گسترش جهانی شدن و ابعاد آن افزوده می‌شود، این تهدیدات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به آن دسته از کشورهایی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند، تشدید خواهند شد. بنابراین پدیده جهانی شدن به مثابه تهدیدی بر امنیت ملی کشورها قابل بررسی کارشناسی است. این مطلب موجب طرح سؤالات بسیاری خواهد بود که برخی از سؤالات به ماهیت جهانی شدن و ابعاد آن مربوط می‌شود که در این مقاله متغیر مستقل فرضیه تبیینی خواهد بود و برخی به شرایط، امکانات و موقعیت جغرافیایی و فرهنگی جوامع در تقابل با جهانی شدن. در این باره سؤال این است که جهانی شدن چگونه و در چه سطحی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟ مؤلفه‌هایی چون تنوع و تعدد بازیگران جهانی شدن یا جهانی‌سازی، انتزاعی بودن تعبیری که از مفهوم جهانی شدن استنباط می‌شود، وجود منافع و محدودیتها، نیتها و پروژه‌هایی برای اهداف مشخص و اینکه جهانی شدن در چارچوب تئوریک با سه رویکرد پروژه، پروسه و پدیده مورد توجه قرار داده می‌شود. از سویی موقعیت منطقه‌ای و بین‌الملل ایران، شرایط اقتصادی، قرابت‌های فرهنگی و موقعیت ژئوپولیتیک سبب می‌شود رهیافت‌های مختلفی در پاسخ به سؤال فوق پیش روی مخاطب قرارگیرد که این امر بستگی دارد به مربوط ساختن فرض‌های احتمالی مورد نظر در دو متغیر مستقل و وابسته موضوع جهانی شدن و امنیت ملی جمهوری اسلامی. در این مقاله سعی شده است در پاسخ به سؤال اصلی فرضیه زیر معرفی شود. جهانی شدن به مثابه پروسه و پروژه ویا پدیده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیر گذار است. این تأثیرات بستگی به ایفای نقش بازیگران و نخبگان جمهوری اسلامی و سیستم مدیریتی کلان کشور دارد. با توجه به زمینه‌های مناسب و امکانات فرهنگی، سیاسی و ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران، جهانی شدن می‌تواند فرصت‌های جدی و مناسبی را که تضمینی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی است، فراهم کند. در غیر این صورت به حذف فرصت‌ها و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

□ **واژگان کلیدی:** امنیت ملی، جهانی شدن، بازیگران سیاسی، تأثیرپذیری، فرصت‌ها و

تهدیدات امنیتی

## □ مقدمه:

منطقه گرایبی، راهبرد میانه در حد فاصل ناسیونالیسم اقتصادی و جهانی شدن است، به طوری که منطقه گرایبی و جهانی شدن یکدیگر را به طور متقابل تقویت می کنند. دولت ها از طریق وارد شدن در اتحادیه های اقتصادی و تجاری منطقه ای توان رقابتی و قدرت اتصال و تولید ملی را بیش از پیش افزایش می دهند تا بتوانند با وضعیت و قابلیت بهتری در سطح جهانی ایفای نقش نمایند.

این در حالی است که انواع جدیدی از تقسیم کار منطقه ای نظیر مثلث رشد (جوهر در مالزی، ریو در اندونزی و دولت-شهر سنگاپور) و هلال شکوفایی (ژاپن، چین، تایوان، لائوس و...) در حال ظهور است.

اگر قسمتی از جهانی شدن یا راهکاری برای استفاده از آن را منطقه گرایبی بدانیم در آن صورت جمهوری اسلامی دارای امتیاز خاصی است. واقع شدن در منطقه حساس جهان و اتصال چندین منطقه (خلیج فارس، قفقاز، آسیای میانه، شبه قاره هند، آسیای صغیر) که هر کدام دارای مباحث خاص خود هستند ایران را از حساسیت منطقه ای بالایی برخوردار ساخته است. جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراکات تاریخی، قرابت فرهنگی در عرصه مذهب، زبان، موقعیت ژئوپلیتیکی با همسایگان خود می باشد، همسایگانی که از نظر تعداد و تنوع کم نظیر هستند.

در برابر چنین شرایطی، تهدیدات منطقه ای فراروی جمهوری اسلامی تشدید شده است تا جایی که مرکز مطالعات امنیتی-راهبردی کاخ سفید در جهت اجرای طرح امنیتی تازه (امنیت انرژی) این موضوع را به عنوان یک دستورکار عمده در سیاست خارجی مورد تأکید قرار داده و به تهدیدات علیه جمهوری اسلامی دامن زده است.

در برابر همه تهدیدات منطقه ای در قالب پروژه جهانی سازی، عوامل جغرافیایی در خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی ایران است. بیشترین جمعیت، طولی ترین کرانه ساحلی، کنترل آبراه با جزایر متعدد، عظمت حضور جغرافیایی، راهبردی و اقتصادی و... نمونه هایی از اهمیت راهبردهای ایران است. در چنین شرایطی، ابعاد مختلف جهانی شدن با حضور بازیگران جهانی تهدیدهای جدی را برای ایران فراهم کرده که تعامل فعال و سازنده در عرصه جهانی را به نیاز فوری بدل ساخته است. در

این مقاله، ضمن بررسی عوامل بستر ساز و زمینه ساز تهدید ناشی از فرآیند جهانی شدن، تأثیر روند جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی خواهد شد.

### آشنایی با مفهوم و کارکرد جهانی شدن

در آغاز بحث جهانی شدن چندان دشوار به نظر نمی رسد چرا که با توجه به گستردگی آن تصور می شود هر نقطه ای را می توان به عنوان مدخل برگزید و عملاً نیز با توجه به علائق و دلمشغولی های مختلف پژوهشگران، این موضوع از منظر های مختلف به بحث گذاشته شده است.

اما آیا چنین رویکردهایی مفید، کافی و مناسب نظام بین المللی می باشند؟ چنین شرایطی برای بحث از جهانی شدن مطلوب نیست، چرا که برای موافقت و مخالفت، توأمان هم مفید و هم زیانبار است. هم مخالفان از آن بهره می برند و هم موافقان متحمل خسارت می شوند و در این میان آنچه که مسأله سازگشته نه جهانی شدن (سازی) بلکه بازیگران- به طور کلی- اعم از افراد و دولت- ملت ها می باشند. این موقعیت و توانایی بازیگران است که موضوع را طرح و توصیف می کند و سپس نسبت به چگونگی رابطه اش با آن استدلال می نماید. لذا بسته به تنوع و تعدد بازیگران، جهانی شدن یا جهانی سازی خواهیم داشت. همچنان که انبوه ادبیاتی که تاکنون در مورد این موضوع پدید آمده، تأییدی بر این مدعاست.

از سویی در بحث جهانی شدن با یک موضوع هم روبرو نیستیم بلکه با مجموعه موضوعات مشابهی مواجهیم که در کل به آنها جهانی شدن گفته می شود و ما به جای آنکه به اصل موضوع شناخت پیدا کنیم با موقعیت ها و تأثیرات وارد بر آن آشنا می شویم و هرپژوهشگری از دریچه ای محدود به بررسی آن می پردازد. لذا به طور خلاصه می توان گفت ضعف عمده ای که سبب عدم کفایت تلاش های نظری در این خصوص گشته همانا فراموشی نسبت پدیده های اجتماعی در معنای کلان آن می باشد. نتیجه آنکه تمایلات، خواسته ها، ضعف ها و ناتوانی ها به عنوان واقعیت جهانی شدن (سازی) ارائه و معرفی می شوند.

همین ابهام و تضاد در آن، علت جذابیت و کثرت استعمال این مفهوم می باشد. ابهام و تضادی که در مفاهیم منتج از دوران مدرن همواره وجود داشته است. علاوه

بر این، مفهوم جهانی شدن به لحاظ سطح تحلیل از چنان گستردگی برخوردار گشته که قابلیت تحلیلی آن را زیر سؤال می برد.

در مجموع، گستردگی و بی حدی سطح تحلیل و بی توجهی به نسبیّت مفاهیم علوم اجتماعی در برخی موارد، این مفهوم را در عین برخورداری از محتوا، تهی و پوچ می نمایاند آنچنان که یک نوع عدم تشخیص در بررسی موضوع به چشم می خورد و واقعیت جهانی شدن همچون توهم و خیال جلوه گر می شود.

این حالت نیز نشان دهنده خصیصه سیال بودن این فرآیند است که باعث شده است موضوع دائماً از زیر نگاه کالبدشکافانه محققان بگریزد و هر لحظه صورتی از خود را به نمایش بگذارد و مانع از ارائه یک نگاه جامع، دقیق و فراگیر شود. مروری بر ادبیات موضوع نشان می دهد که یکی شدن جهان مورد پذیرش اکثریت پژوهشگران می باشد.

جهانی شدن و جهانی سازی دوروی یک سکه و مفهومی نو برای فرآیندی کهن است. گویی جهان با تمام قوایش از خرد تا کلان مسیری غیر قابل پیشگیری را طی می کند و بحث ها بر سر چرایی و فرجام آن - اگر قابل تصور باشد - بوده لیکن فراتر از همه این بحث ها، این شدن چه در معنای فرآیند پروژه اجباری و تحمیلی از سوی برخی قدرت ها، مسیر خود را می پیماید و توقفی برای آن متصور نیست.

با این اوصاف می توان گفت جهانی شدن (سازی) یک مفهوم انتزاعی است که برای مشخص نمودن روند کلان سیاست های فنی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی در سطح جهان وضع شده است. جهانی شدن یا جهانی سازی در واقع مفهومی ذهنی است و واقعیت بیرونی مشخص ندارد؛ بلکه صرفاً از طریق آثار و تبعات آن روند کلان به این مفهوم استناد می شود.

مثلاً اگر جهانی سازی را تشدید روابط اجتماعی میان انسان های کره زمین بدانیم در این صورت پدیده اینترنت برای ما خیلی جالب توجه و تأمل خواهد بود. اما نمی توانیم بگوییم، جهانی سازی مساوی با اینترنت و گسترش آن است در حالی که می توان گفت اینترنت زمینه ساز و وسیله ای برای تشدید روابط اجتماعی است. همچنین در نگاه منفی به جهانی شدن که در مفهوم جهانی سازی مستتر است احساس می شود که نیت ها و پروژه هایی برای اهداف کاملاً مشخص در دست اجرا

می باشد که به مجموعه آنها جهانی سازی اطلاق می شود، اما از این منظر نیز با توجه به نشانه های عینی و اثرات بیرونی آن روند کلان، مثلاً گفته می شود که جهانی سازی یعنی گسترش فقر در جهان و افزایش فاصله دارا و ندار؛ در حالی که فقر و گسترش آن در سطح جهان معلول آن روندهای کلان بوده و لذا نمی توان ادعا کرد جهانی سازی مساوی با گسترش فقر است.

در نتیجه، تعاریفی از این دست نمی تواند از غرض های پژوهشگر برکنار بماند و نتیجه آن بیشتر توجیه یا تقبیح این پدیده را مد نظر دارد. از این رو می توان اذعان داشت که جهانی شدن (جهانی سازی) به لحاظ مفهومی جدید می باشند؛ اما نو بودن شان به معنای تازگی این پدیده نیست. به نظر ما اینها صرفاً مفاهیمی نو برای فرآیندی کهن هستند.

جهانی شدن آرمان همیشگی بشر بوده و همواره برای تحقق آن تلاش کرده، هرچند که با موانع بسیاری روبرو بوده است. این کوشش ها و فعالیت ها از زمانی که بشر قدرت مقابله جدی با طبیعت و تغییر در آن را پیدا کرد، به صورت جهانی سازی جلوه کرده است. به این معنی که وجود منافع و محدودیت ها، بازیگران را به برنامه ریزی وا می دارد؛ اما روند تغییرات به گونه ای فرا برنامه ای خود را به برنامه ها تحمیل می نماید که در این وضعیت بازیگران نهایت تلاش خود را به کار می برند که از وضعیت های جدید و احیاناً پیش بینی نشده، حداکثر بهره برداری را بنمایند.

از همین روست که مفاهیم جدیدی از مدیریت ارائه می گردد و پیشنهاداتی در خصوص تغییر معنای مدیریت و حدود و وظایف آن در جهت سازگاری بیشتر و توان بهره برداری افزون تر از موقعیت ها داده می شود. این چالش (چالش توانایی و سازگاری) سابقه ای طولانی دارد و گذر موفقیت آمیز از این چالش ها به عنوان رمز بقای هر بازیگر است.

به هر صورت چه قائل به جهانی سازی باشیم و چه موافق جهانی شدن، بی تردید کارگزار آن اراده، فعل و برنامه انسان است؛ هر چند که نمی تواند فارغ از برخی محدودیت ها باشد. بنابراین شاید بهتر باشد که در تحلیل ها، در عرصه جهانی

شدن بیشترین کارگزاران این روند کلان توجه شود در این راستا از تقسیم بندی های بی فایده صرف نظر گردد.

از آنجا که موتور محرکه پدیده جهانی شدن چه در معنای مثبت و چه در معنای منفی آن یکی علم است و دیگری منافع (اقتصادی) و عملاً نفع اقتصادی با رشد علمی گره خورده است؛ بنابراین در یک تحلیل می توان نفع اقتصادی را متغیر مستقل و تحولات نظام های فرهنگی را متغیر وابسته آن دانست. به عبارت دیگر، گسترده شدن نفع اقتصادی گره خورده به علم در سراسر جهان آثار متفاوتی بر جای می گذارد که از آنها با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی یاد می شود و امروزه این پدیده، خود به عنوان یک داده برای نظام های مختلف منطقه ای و بین المللی تلقی می شود و پاسخ بسیاری از سؤالات موجود با ملاحظه تحلیل فوق نتایج روشن و آینده نگرانه ای به دنبال دارد.

با توجه به تحلیل فوق از مفهوم جهانی شدن در قالب نظریه سازی، سه رویکرد را برای آن ارائه داده اند: پروژه، پروسه و پدیده. مطالعه هر یک از رویکردها نشان می دهد که جهانی شدن بسان شمشیر دو دم عمل می کند. همین دوگانگی از ارزیابی جهانی شدن تردیدی است بر این که امنیت سوز یا امنیت ساز است. برای مطالعه جهانی شدن رهیافتی چند بعدی ضروری است، چرا که رهیافت تک بعدی، جهانی را توصیف می کند که یا خوب است یا بد و مثبت است یا منفی. اما رهیافت چند بعدی منطق علی الواحد را رد می کند.

این اصطلاح جهانی شدن که بر انگیزاننده واکنش های ابهام برانگیز شده، چالش ها، خطرها و فرصت هایی را پیش روی دارد که نه مطلقاً مثبت و نه صرفاً منفی است و این اراده و خواست ملت ها و دولت هاست که جهانی شدن را رقم خواهد زد. با این توضیح تجزیه و تحلیل تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی میسر می باشد. بر این اساس فرضیه مقاله چنین است:

تأثیر جهانی شدن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از سویی متأثر از دولت ها، قدرت ها و جامعه جهانی در این فضا و از سوی دیگر متأثر از اراده دولت و ملت ایران در استفاده مناسب از امکانات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در ایفای نقش کارگزاری خویش است.

## امنیت و امنیت ملی<sup>۱</sup>

امنیت و امنیت ملی از جمله مفاهیمی هستند که پس از پیدایش دولت های ملی رایج شده اند. استفاده از این واژه در ادبیات سیاسی همواره متداول بوده اما منجر به تعریف مشخص نشده است. پس از جنگ جهانی دوم پژوهشگران علوم سیاسی به عنوان یک واژه کاربردی به مطالعه آن روی آوردند و در قالب نظریه های مختلف مساله امنیت ملی را تحلیل و بررسی کردند.

بسیاری از پژوهشگران امنیت ملی را توانایی یک کشور در حفظ ارزش های فردی در برابر تهدیدهای خارجی می دانند [۱۱]. به تعبیری، امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی، خرابکاری و... [۲: ۴۷۵] تعریف دیگری است که برای امنیت ملی ارائه شده است.

امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش قدرت نظامی است.

این یک واقعیت است که پس از جنگ جهانی دوم تهدیدات گسترده ای که جهان را فرا گرفت؛ مسأله امنیت ملی را به مخاطره انداخت. خصوصاً در خلیج فارس که دائماً با جنگ های فیزیکی و روانی مواجه بوده و تلاش دولت ها را دائماً مصروف تدوین طرح های امنیتی نموده است، با این وجود امنیت هر یک از دولت های منطقه می تواند با ناامنی دیگر کشورها تعریف شود و هر کشوری با تعریف خاص خود از امنیت ملی بر اساس امکانات و منابع موجود در چارچوب تعریفی که از امنیت منطقه دارد می تواند در مقابل دیگر کشورها از خود دفاع کند.

امنیت ملی با تمامیت ارضی رابطه مستقیم دارد و در نهایت به دفاع ملی منتهی می شود. استراتژی های دراز مدت اقتصادی، نظامی و سیاسی می تواند مرزهای

امنیت ملی را تا حد مناطق نفوذ یک کشور وسعت بخشد و ظرفیت های اقتصادی یک کشور به اضافه وضع نمادهای سیاسی و حقوقی کشور می تواند در تحکیم امنیت ملی بسیار مؤثر باشد. از سویی به قول "والتر لیپمن" امنیت ملی در معنی عام کلمه همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود. به طوری که بود و نبود امنیت، وابسته به توانایی کشور در رفع حمله نظامی است. [۳: ۱۷۰]

گزارش کمیسیون ویژه زمامداری جهانی معتقد است که تحولات عرصه بین الملل به تولید مفهوم امنیت مشترک<sup>۱</sup> و امنیت دسته جمعی<sup>۲</sup> و سپس به امنیت فراگیر<sup>۳</sup> و در نهایت به امنیت جهانی دست یافته است. به همین دلیل هم امنیت همواره در بحث جهانی شدن مورد توجه قرار گرفته است. اسویر لودگارد<sup>۴</sup> یکی از شاخصه های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر را تولید انبوه ناامنی [۴: ۲۱] دانسته است. با این توضیح که زندگی انسان معاصر از حیث امنیتی بسیار آسیب پذیر می نماید و ما با هر قدمی که در جهت توسعه به جلو برمی داریم، به صورت مستقیم تهدید تازه ای را برای خود پدید می آوریم.

به عقیده "رامونه" این تهدید فقط مختص به پیرامون نیست؛ بلکه جوامع غربی نیز آینده روشنی را در آئینه زمان نمی بینند؛ آنها نگران بیکاری، بهت از عدم اطمینان، وحشت زده به لحاظ تکنولوژی های جدید، مشوش از جهانی شدن اقتصاد، دلمشغولی صدمات محیط زیست و فساد لجام گسیخته و در نتیجه شدیداً مأیوس و ناامید هستند. [۵: ۱۱]

بنابراین می توان گفت علی رغم سردرگمی های موجود در معنای امنیت و ترسیم قلمرو امنیت ملی، روندی تکاملی در مفهوم و مصداق امنیت وجود داشته است که می تواند مبنایی در طراحی الگوهای امنیتی ملی، منطقه ای و جهانی برای قرن بیست و یکم باشد. با این توضیحات وارد بحث امنیت ملی جمهوری اسلامی در عرصه جهانی شدن می شویم.

1. Common Security
2. Collective Security
3. Compre nensire Security
4. Swere Lodgard



### امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی شدن

امروزه در دنیای جهانی شده، امنیت ملی با سطوح فردی، منطقه ای و بین الملل [۳۹۹: ۶] در ارتباط است و بدون آن محقق نمی شود. یک عامل مهمل نما<sup>۱</sup> در امنیت سیاسی- فرهنگی این است که خود تهدیدها، اغلب موجب تقویت و تحکیم همان هویت های مورد تهاجم می گردند. چنان که درجه وفاداری نسبت به برخی باورها نیز احتمالاً در واکنش به فشارهای خارجی افزایش می یابد. [۱۴۹: ۷] دولت برای تحقق امنیت نیاز به وضعیتی دارد که در آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی اش دست یافته باشد.

جامعه ما دارای امتیازاتی است که باعث توسعه سیاسی گردیده و همچنین حکومت همگام با تغییرات و تحولات، جهت دستیابی به ثبات و دوام به تغییر و تحول دست زده است. این شاخص ها هر چند وجود داشته و به ماهیت تحولات ساختار اجتماعی جامعه مرتبط بوده است. اما جهانی شدن باعث آگاهی و توجه به آنها شده و نظام چند قطبی ناشی از جهانی شدن به ما کمک می کند که به دور از سلطه تک قطبی یا دو قطبی با تلاش جهت انطباق، توانایی های خود را در نظام بین المللی ارتقاء دهیم. در روند جهانی شدن کشورهای که نتوانند خود را با شرایط جهانی وفق دهند محکوم به نابودی هستند، چرا که وسایل ارتباطی و نهادهای غیر دولتی با دور زدن حکومت ها به مردم آگاهی داده و آنها را به تحرک وادار می کنند، همچنین دولت هایی که آگاهانه می کوشند جهان را به گونه ای که بود مجدداً مستقر کنند به حاشیه رانده می شوند، آن ها سعی می کنند از طریق تلاش هایی برای حصار کشیدن به دور خود به درجه ای از خود بسندگی دست یابند که اکثراً موفق نمی شوند.

در این صورت به گفته اندیشمندان حوزه جهانی شدن، دولت- ملت ها از بین می روند. اما کشورهایی که از دولت و ملتی قوی برخوردارند، قادر خواهند بود تندبادهای جهانی شدن را با موفقیت پشت سر بگذارند. چنین دولت هایی در عرصه جهانی می توانند به بازیگری فعال تبدیل شوند. به عقیده "باری بوزان" کشورهای که دارای قدرت محدود ولی انسجام و پشتوانه مردمی باشند، هر چند دامنه

حاکمیت ملی کاهش می یابد، ولی این کشورها فعالانه وارد بازی جهانی شدن می گردند و آگاهانه نسبت به سازوکارهای آن عکس العمل نشان می دهند و دارای مزیت خواهند بود.

دولت های یاد شده با تن دادن به اصلاحات، موجودیت خود را در تحولات آتی همچنان با استحکام و اقتدار حفظ خواهند کرد. این دولت ها که برخوردار از بالاترین و ارزشمندترین سرمایه اجتماعی یعنی انسجام ملی هستند، مناسب ترین وضع را در مواجهه با جهانی شدن خواهند داشت [۱۶۷- ۸۰: ۱۰] جمهوری اسلامی ایران در همین قسم از دولت ها قرار دارد که به خاطر پشتوانهٔ مردمی نه تنها زوال پذیر نیست، بلکه به همراهی و ایفای نقش در روند جاری می پردازد.

اندیشهٔ مردم سالاری دینی امکانات و پتانسیل لازم و منطقی را برای مواجهه فعالانه با شاخص های مطرح شده از سوی طرفداران جهانی شدن داراست. شیوه مردم سالاری دینی متضمن پویایی های فراوانی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است به نحوی که آن را از توانایی انعطاف و انطباق با شرایط متغیر و متحول بیرونی و بین المللی برخوردار می سازد. به این ترتیب، جهانی شدن برای ساختارهای مردم سالارانه تنها تهدید نیست؛ بلکه فرصت بالقوه نیز فراهم می سازد. هر چند اجماع کلی در مورد مردم سالاری دینی از طرف نخبگان وجود ندارد و جامعه دچار التهاباتی است اما در حال ثبات یافتن می باشد تا بتواند ضمن آرامش و تعادل و انرژی و تحرک هر چه بیشتر و با استفاده از محیط جدید بین المللی ضمن کمال جویی در توسعهٔ سیاسی، از فرصت های موجود نهایت بهره برداری را به عمل آورد. [۱۷۱: همان] چرا که ما مسالمت جو تر از همسایگان در منطقه خلیج فارس هستیم. بنابراین انعطاف پذیر عمل می کنیم. دولت می تواند با تکنولوژی های ارتباطی بر قدرت خویش بیفزاید و با دولت های هم سطح به تشکیل ایده های مشترک دست بزند و در نهایت با جو اقتصادی حاکم بر جهان به همکاری بیشتر اقدام کند تا در مقابل تهدیدات دچار ضربه پذیری کمتری شود.

سیاست خارجی امروزه در ارتباط با جهان دچار تغییرات زیادی شده است که ما را به اهداف نزدیک تر می کند. اقداماتی نظیر تنش زدایی با شعار عزت، حکمت و مصلحت، نگرش دیپلماسی تجاری به روابط به جای سیاست و ایدئولوژی صرف،

ایجاد ارتباط با ملل مختلف و ایفای نقش های متعدد و دیگر تغییرات در طی دو دهه گذشته نظیر گروگان های امریکایی، جنگ تحمیلی، بحران خلیج فارس و افغانستان، دستگاه دیپلماسی را عمیقاً ورزیده و مستحکم نموده است.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از شاخص های متعدد انسجام ملی، موقعیت استراتژیک، ذخایر غنی نفت و گاز، شور و حرارت ایدئولوژیک، میل شدید به استقلال خواهی، بازار اقتصادی وسیع، نسل انقلاب دیده، طعم جنگ چشیده، تجربه تاریخی، فرهنگ و ادب غنی، نسل جوان تحصیل کرده و... نه تنها در حال قوام بخشیدن به مردم سالاری دینی است؛ بلکه اغراق نخواهد بود اگر بگوییم هژمون منطقه ای و یکی از بازیگران بالقوه عرصه جهانی می باشد. چراکه از مهمترین خصلت یک موجود زنده، یعنی تغییر و دگرگونی برخوردار است و مطابق نظام بین المللی حرکت می کند.

### امنیت ملی جمهوری اسلامی و آسیب پذیری اقتصادی

شاید وجود هیچ گسستی به اندازه شکاف اقتصادی از حیث روانی برای شهروندان کشورهای مختلف تأثیر سوء بر جای نگذاشته است. ملاحظات اقتصادی نظیر گسست فقر و غنا، عدم استفاده از قابلیت های انسانی، استفاده بی رویه از طبیعت و ملاحظات سازمانی و قانونی است که "باری بوزان" می گوید: جهانی شدن دچار طاعون ابهام است. [۷: ۲۱۴]

مهم ترین بعد تهدید امنیت ملی که قابل تأمل می باشد، بعد اقتصادی آن است. از یک منظر، جهانی شدن اقتصاد امکانات جدیدی را برای همه کشورها فراهم ساخته است و برخی مصادیق وجود دارد که کشورهایی که نظام جهانی را پذیرفته اند و به سهم خواهی از آن برآمده اند، توانسته اند به اوضاع اقتصادی خود سامان دهند و مطالعه کشورهای آسیایی جنوب شرقی و برخی کشورهای امریکایی نشان می دهد که در دهه های طی سال های گذشته رشد اقتصادی به مراتب بیشتر از کشورهای غربی داشته اند. [۸: ۱۲۱]

آمارها نشان می دهد که در نظام اقتصاد جهانی به روی کشورها بسته نیست و جهانی شدن اقتصاد امکانات جدیدی را برای همه کشورها فراهم ساخته است. از سوی، ایران همانند برخی کشورهای جهان سوم دچار اغتشاش و بحران های شدید

اقتصادی نمی شود. اما برای رسیدن به جایگاه خاص خود نیاز به همکاری جهانی دارد.

جمهوری اسلامی از طرفی دارای منابع عظیم زیر زمینی، جمعیت زیاد و هوش و استعداد ایرانی می باشد و اگر محور اصلی اقتصاد جهانی شده را دانش و اطلاعات بدانیم و ثروت را هوش و استعداد انسانی، امکان ورود ایران به صحنه فناوری مبتنی بر دانش باز است و ایران توانایی آن را نیز دارد.

بنابراین تهدید امنیت ملی، محصول اقتصاد ناشی از در حاشیه قرار دادن ایران از سوی مخالفان جمهوری اسلامی است. تهدید اصلی زمانی است که حاشیه نشینی جمهوری اسلامی بیشتر شود. فشار جهانی شدن باعث گرایش ایران به حضور فعال در عرصه بین المللی و ایجاد همکاری با کشورهای همسایه و کسب منافع شد.

سیاست ایران در عرصه جهانی شدن به مثابه سوار شدن بر کشتی جهانی شدن می ماند؛ به طوری که باید از آن استفاده کرد؛ هرچند در بدترین نقطه آن جای داشته باشیم. چرا که سوار نشدن به کشتی ممکن است ما را دچار طوفان های مهیب گرداند. کسب موفقیت های بسیار از نظر وجهه بین المللی، قراردادهای مختلف، پذیرش سرمایه گذاری، مذاکرات مختلف و تامین امنیت سرمایه گذاری، کاهش موانع گمرکی، تأمین خسارت صادر کنندگان و روابط با کشورهای همسایه قابل توجه و اندازه گیری است.

ایران از نظر اقتصادی توانایی کسب سود را داراست و سعی در شفافیت سیاست های اقتصادی، هماهنگی با اقتصاد جهانی و رقابت در عضویت سازمان تجارت جهانی، فعال کردن مناطق آزاد تجاری، صادرات غیر نفتی، اعطای اعتبار به خریداران کالاهای ایرانی در خارج، تقویت شبکه بانکی در جهت تأمین اعتبار، تقویت شبکه اطلاع رسانی بازرگانی، گسترش فرهنگ صادراتی و... عکس العمل ایران در قبال تأثیرات جهانی شدن است.

امروزه تأثیر جهانی شدن بر جمهوری اسلامی ایران در برخی از شاخصه های جهانی، از قبیل افزایش کیفیت کالاهای داخلی، رشد بر مبنای توانایی و منابع و منطقه، حداقل سرمایه گذاری غیر مستقیم، استفاده بهینه از منابع و امکانات، رشد

اتحادیه های تولیدی و تجاری، واکنش انعطاف پذیر در برابر بازار جهانی، نقل و انتقال نیروی کار، توجه به نیروی انسانی، رقابت، رفاه، بهبود شرایط زندگی، کاهش تصدی گری دولت، افزایش خصوصی سازی و غیره مشهود است.

در اینجا می توان به چند مولفه اقتصادی مؤثر در جهانی شدن اشاره کرد که یکی از آنها رقابت است. شرکت ها همه جا را بازار خود می دانند؛ بنابراین در پی کسب سود بیشتر، سعی در رقابت و کاهش قیمت و افزایش کیفیت جهت کسب بازارها می باشند که در آن مردم می توانند انتخاب کنند. این عامل در بعضی از بخش ها باعث رشد و در بعضی از بخش ها به خاطر ترس رقیب و عدم توانایی محصولات داخلی ( مثل اتومبیل ) باعث کیفیت پایین و قیمت بالا شده است. در صورتی که رقابت در صنایع مخابراتی بین المللی، باعث کاهش هر پالس تلفن از ۳۰ دلار به ۱ دلار شده است. اشتغال، ایجاد اشتغال چه از طریق مهاجرت به مناطق دیگر (ژاپن، کانادا) و چه با ورود سرمایه و ایجاد کار ( فولاد مبارکه و کابل شهید قندی و...) مهیا می شود.

بررسی وضعیت جهان معاصر و تأثیرات عمیق جوامع از فرآیندهای جهانی شدن سیاست، دلالت دارد بر اقبال مردم به حضور در عرصه اداره امور جامعه که از آن به مشارکت سیاسی یاد شده و در برخی جوامع باعث نابودی حکومت های پاتریمونینال شده است.

رشد جمعیت، گسترش روابط و ظهور فناوری های ارتباطی... از ایجاد کنندگان روندی هستند که اداره جامعه را بر عهده دارد. همچنین دستیابی به اطلاعات، بهبود شرایط و فرصت ها برای زنان، ارتقای سطح تحصیلات و ایجاد آگاهی سیاسی معطوف به قدرت با توجه به رشد فزاینده جمعیت و تقویت و افزایش سازمان های غیر دولتی و شکل گیری اپوزیسیون دلالت بر شأن مردم در اداره امور حکومتی دارد که به یکی از نموده های مردم سالاری می انجامد.

در نظام مدرن مرکب از حاکمیت، مردم و سرزمین و نهادهای حکومتی است که حاکمیت در درجه نخست قرار دارد. حاکمیت است که حتی در صورت نارضایتی مردم می تواند تا مدت زیادی باعث دوام حکومت گردد. اما در دوران جدید این حاکمیت از طریق عوامل مختلف جهانی شدن به چالش کشیده شده است ( مانند

سرمایه گذاری وسایل ارتباطی و انتقاد بین المللی ... ) و زمینه های استاندارد سازی و بسط آزادیهای سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد گسترش، تبلیغ مبانی دموکراسی، کاهش دامنه اقتدار و حاکمیت کشورها را فراهم می آورد. در مجموع می توان گفت توانمندی های اقتصادی به گونه ای هستند که بتوان امیدوارانه اهرم های اقتصادی را جهت تبدیل تهدیدات جهانی شدن به فرصت های افزایش اعتبار و موقعیت منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی، به کار گرفت.

### امنیت ملی جمهوری اسلامی و جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن در بعد فرهنگی برای ما که از گذشته ای با پشتوانه ای قوی تاریخی - فرهنگی برخوردار هستیم و نیز دین اسلام که مخاطب جهانی دارد، یک فرصت است. اگر نمی توانیم به کالبد شکافی ساختارهای فرهنگی و یا تقویت عناصر مثبت فرهنگی دست بزنیم، بهتر است در راه رشد، تکامل و بروز هویت ایرانی که ترکیبی از تاریخ و مذهب است، مانع ایجاد نکنیم تا این هویت از حرکت متوقف نشود. در آن صورت راه برای پذیرش فرهنگ های دیگر با تأثیر یکجانبه هموار خواهد شد. این مانع شدن همانا ساختن انسان هایی مسخ شده است که فقط پیروی می کنند. در مراحل بعدی می توان به پروژه مصون سازی و مواجهه تأثیر گذار پرداخت.

تجربه تاریخی به ما می آموزد که نباید وارد جنگ ایدئولوژیک با جهان و مخصوصاً غرب گردید. چرا که غرب نیاز به یک دشمن ایدئولوژیک حتی تخیلی برای توجیه و ادامه پروژه سلطه خود دارد. چنان که مفاهیمی نظیر شرق، غرب و جنگ تمدن ها، نظم نوین جهانی، تروریسم و شمال و جنوب و... در همین راستا قرار دارد که علاوه بر صرف وقت و هزینه، بهره برداری ایدئولوژیک را نیز در پی دارد. همان طوری که برخورد تمدن ها برای نظم نوین آمریکایی و تداوم سروری آمریکا ضروری می باشد. بنابراین نباید وارد این مفهوم سازی ها شده و بستر لازم را برای غرب فراهم سازیم.

در بعد داخلی، با توجه به امکانات انسانی، منابع زیر زمینی، موقعیت ژئوپلیتیک و ارتباطی و تجربه های مختلف ( انقلاب، جنگ، سازندگی ) می بایست به تدوین برنامه های راهبردی بپردازیم و همه شرایط را برای تقویت و به حداکثر رساندن

مشروعیت به کارگیریم، که قوی ترین عامل درمقابل تهدیدات و نیز با انگیزه ترین مولفه برای رشد و توسعه در دنیای جدید می باشد. کشوری که دچار بحران مشروعیت نگردد هیچ بحرانی آن را تهدید نمی کند. در ادامه مشروعیت زایی، باید به نهادمندی های سیاسی و اداری جهت تصمیم سازی و پاسخ به مطالبات و نیز توجه به هویت ملی و همگونی اجتماعی، انتخاب و جابجایی نخبگان کار آمد و تقویت توانایی های سیاسی و نظامی پرداخت.

جهت فعالیت در جهانی که از سلطه ابر قدرتها و استعمارگران تقریباً رها شده و به جهانی شدن شهرت یافته، سیاست خارجی دارای نقش به سزایی در عرصه فرهنگ است. جمهوری اسلامی می تواند با تدوین اصول جدید، عوامل تأثیر گذار، نهادهای مسئول در تصمیم گیری و روند برنامه ریزی و بهره گیری از تکنیک ها و ابزارها در قالب سیاست های خارجی زیر با اهرم وزارت خارجه به بازیگری بپردازد. برخی مسائل مرتبط با این سیاستگذاری ها که در تقویت امنیت ملی تأثیر گذار می باشند و نیاز به اقدام جدی دارند به تشریح ذیل است:

- تداوم تنش زدایی با همسایگان و سایر کشورها؛
- استفاده بهینه از امکانات و منابع در جهت حفظ منافع ملی؛
- مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات؛ اما باید توجه داشت مشارکت ارادی دارای منافع می باشد که عنصر زمان و موقعیت مناسب از الویت های این مشارکت است.
- دخالت خیرخواهانه مؤسسات اقتصادی و سازمان های فرهنگی در روند تصمیم گیری های سیاست خارجی جهت تحقق اهداف و منافع ملی؛
- بررسی و تجدید نظر سیاست های گذشته؛
- برای حفظ منافع ملی و صیانت از امنیت ملی باید از امکانات و توانائی های داخلی برخوردار شد؛ از جمله: فرهنگ غنی، امکانات مادی بی شمار، تجربیات تاریخی متعدد (مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی) رشد جمعیت و شهر نشینی، افزایش سطح سواد، دین اسلام به عنوان مکتب انسان گرا و عالم گیر، استعداد و توانائی های انسانی و...؛

- ارزیابی درست تهدیدات، شناخت فرصت‌ها و کاهش و کنترل تهدید و کاهش آسیب‌پذیری داخلی؛  
- راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی باید بر اساس تأکید بر استقلال ملی و هدایت هویت‌یابی مرکب مشروعیت تاریخی بر اساس مرزبندی‌های طبیعی باشد.

### □ نتیجه‌گیری :

تأمل در مفهوم جهانی شدن، بیش از هر چیز نقش بازیگران را در فرآیندهای پیش‌رو آشکار می‌سازد، به گونه‌ای که سهم‌بندی در فرآیند جهانی شدن ارتباط مستقیمی با توانایی و مهارت و دوام‌بازیگری دارد. جمهوری اسلامی ایران بازیگری با توانایی‌های خاصی است که می‌تواند با اتکاء به هویت انقلابی و اسلامی خود در هر یک از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به فراخور اقتضائات هر دوره به ایفای نقش بپردازد. امروزه حفظ امنیت با توجه به موضع شدن قلمرو آن نیازمند انعطاف‌پذیری و آینده‌نگری در محاسبات هزینه و فایده رفتارهایی است که خواسته و ناخواسته پیامد امنیتی دارند. از این رو باید سعی شود در آشفتگی‌های ناشی از جهانی شدن برنامه‌هایی دقیق و عملیاتی برای کسب آمادگی و برقراری تعاملاتی سازنده با محیط پیرامونی، تدوین‌گردد تا در اثر عینیت یافتن آنها توانمندی‌های نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های امنیتی پیش از پیش تقویت گردد. در این راستا، بازنگری چارچوب‌های مسلط امری الزامی است، چرا که تنها در این صورت است که شاخص‌ها و متغیرهای جدید برای ایجاد و حراست از امنیت آشکار خواهند شد امری که نظام جمهوری اسلامی برای حفظ هویت انقلابی و اسلامی خود بدان نیازمند است و جهانی شدن با شرایطی که به وجود آورده است می‌تواند فرصتی بی‌نظیر در این راه دشوار تلقی گردد.



□ منابع و مأخذ:

۱. رابرتسون، رولاند، جهانی شدن، مترجم: کمال پولادی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲. کالینز، جان.ام، راهبرد بزرگ، ترجمه: کوروش بالیز، تهران، وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۳. سیف زاده، حسین، اصول روابط بین الملل، تهران، نشر دانشگر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. مک کین لای، رابرت و لتیل، ریچارد، امنیت جهانی، مترجم: اصغر افتخاری، تهران، راهبرد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. رامونه، اگناسیه، آیا جهان به سوی هرج و مرج می رود؟، مترجم: پریچهر شاهسوند، تهران، انتشارات عطا، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶. بوزان، باری، مردم، دولت ها و هراس، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، راهبرد، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، راهبرد، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۸. هری، مگواف، جهانی شدن با کدام هدف؟، مترجم: ناصرزرافشان، تهران انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. تهرانیان، مجید، جهانی شدن (چالش ها و ناامنی ها)، تهران، راهبرد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. قریب، حسین، جهانی شدن و چالش های امنیتی ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم، مرداد، شهریور، ۱۳۸۰.
11. Jeffery M.Elioz, the Arms Countrol, Disarmament and Military Security Dictionary, USA, California State University, 1989.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی